

بررسی اعتبار چشم مسلح در رؤیت هلال^۱ (با تأکید بر دیدگاه آیت الله هاشمی شاهرودی)

علی الهی خراسانی^۲

چکیده

مشهور فقیهان با استناد به روایات رؤیت بر آن هستند که رؤیت تنها با چشم عادی اعتبار شرعی دارد و در اصطلاح با چشم مسلح کفایت نمی‌کند. اما آیت الله هاشمی شاهرودی با دیدگاه مشهور مخالف کرده و بیان می‌دارد که رؤیت در نصوص نسبت به رؤیت با چشم عادی و نیز چشم مسلح اطلاق دارد. انصراف رؤیت به رؤیت متعارف زمان صدور نص، انصراف وجودی و مردود است. همچنین بر اساس صحیحه علی بن جعفر از امام موسی کاظم علیه السلام رؤیت شخص تیزبین (حاّد البصر) که معتبر است با رؤیت به وسیله ابزار نزدیک کننده دارای وحدت مناط است. در این نوشتار به صورت تفصیلی و استدلالی اعتبار ابزار نوین نزدیک کننده در رؤیت هلال با محوریت دیدگاه آیت الله هاشمی شاهرودی اثبات شده است. اشکالات متعددی (هفت اشکال) است توسط برخی فقیهان مانند آیات و اساتیدی همچون سید علی سیستانی، شیخ جعفر سبحانی، سید مهدی خلیجی و شیخ محمدتقی شهیدی پور در خصوص دیدگاه یادشده مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

کلیدواژه: رؤیت هلال، چشم مسلح، هاشمی شاهرودی، انصراف.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۹.

۲. دانش‌آموخته حوزه علمیه مشهد و دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه عدالت؛ رایانامه:

parsayan.ali@gmail.com

مقدمه

در شریعت مقدّس اسلام بسیاری از وظایف و عبادات فردی و اجتماعی مسلمانان بر اساس ماه‌های قمری و تشخیص آغاز ماه‌های قمری هم مبتنی بر رؤیت هلال است. مراسم بسیار مهم و اساسی حج، تعیین روز عرفه و عید قربان، روزه ماه مبارک رمضان، شب‌های قدر، ایام تاریخی مهم مانند: مبعث، غدیر، عاشورا و مهم‌تر از همه عید فطر همگی وابسته به رؤیت هلال‌اند و حتی برخی وظایف مانند روزه عید فطر مردّد بین محدورین است که اگر روز آخر ماه رمضان باشد روزه‌اش واجب و اگر عید فطر باشد روزه‌اش حرام است. به دلیل همین نقش اساسی و تأثیر گسترده، رؤیت هلال وسیله‌ای بس آسان و در دسترس برای تحقق اختلاف یا اتّحاد مسلمانان است. حتی اگر بتوان با وجود اختلاف، در اموری مثل روزه یوم‌الشکّ اوّل ماه مبارک یا احیای دو شب به نیت لیلۃ القدر، مشکل را حل کرد، در تعیین روز عرفه و عید قربان و عید فطر چنین راهی وجود ندارد. مگر می‌توان مسلمانان را مکلف کرد که در یوم‌الشکّ آخر ماه مبارک، طریق احتیاط پیش گیرند و - مثلاً - با مسافرت روزه خود را افطار کنند؟ گذشته از جنبه‌های شرعی فردی، بازتاب اجتماعی دوگانگی و تفرقه در این امور را که بسیاری از اوقات به پاره‌ای اعتقادات مسلمانان نیز ضربه می‌زند، نباید از نظر دور داشت.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵

تابستان ۱۳۹۸

۵۴

می‌توان با رویکردی استدلالی و معتبر دیدگاه علمی را مطرح و مورد پردازش قرار داد تا مورد پذیرش مجتهدان و سبب رفع نگرانی از برخی جامعه شیعی شود. دیدگاهی که نفی اعتبار اتّحاد افق و اعتبار ابزار نزدیک کننده را بیان می‌کند می‌تواند راهگشا باشد.

در بحث فقهی رؤیت هلال چه در اعتبار اتّحاد افق و چه ابراز نزدیک کننده، یکی از دقیق‌ترین دیدگاه‌ها از آیت‌الله هاشمی شاهرودی است که تا کنون مورد پردازش و پژوهش نیز واقع نشده است.

گفتنی است اختلاف در اعتبار رؤیت با چشم مسلّح اختصاصی به مسلک مشهور فقها یعنی لزوم اشتراک و اتّحاد آفاق ندارد، بلکه بر مبنای آیت‌الله خویی و عدّه‌ای دیگر نیز مبتنی بر عدم لزوم اتّحاد آفاق ساری و جاری است و فرق مسئله

این است که طبق مسلک مشهور، رؤیت پذیری هلال با چشم عادی به هنگام غروب آفتاب در افقی از آفاق فقط اثبات کننده حلول ماه نو در همان افق است، و طبق مبنای غیر مشهور، اثبات کننده حلول ماه در آن افق و سایر آفاقی است که در بخشی از شب با آن افق مشترک اند.

دلیل عدم اعتبار چشم مسلح در دیدگاه آیت الله خویی

ابتدا این پرسش مطرح می شود که میزان تحقق ماه قمری، آیا خروج واقعی ماه از محاق است - حتی اگر به کمک ابزار نوین نزدیک کننده و در اصطلاح با چشم مسلح نیز به شکل هلال، قابل رؤیت نباشد - یا میزان تحقق ماه، آن است که کره ماه در مسیر گردش خود، به درجه ای از ظهور و بروز برسد که ولو با ابزار نوین نزدیک کننده به شکل هلال، قابل رؤیت باشد یا ملاک، آن است که هلال با چشم طبیعی قابل رؤیت باشد و امکان رؤیت آن به کمک ابزار نوین و با چشم مسلح، کافی نیست؟ روشن است که این بحث، حتی در نظریه مشهور - لزوم رؤیت هلال در شهر مکلف - نیز جای طرح دارد.

بررسی اعتبار چشم
مسلح در رؤیت هلال

۵۵

آیت الله خویی بر این باور است که «پوشیده نیست که کره ماه - به عقیده هیئت‌شناسان قدیم - دو حرکت دارد: حرکتی به دور خود در هر بیست و چهار ساعت، که این حرکت، دارای مشرق و مغرب است. حرکت دیگری نیز در همان مدار، هر ماه یک بار به دور زمین و از جهت غرب به شرق دارد. بر این اساس، مکان ماه در هر روز، با روز دیگر، متفاوت است و از این جهت، گاهی حرکت ماه، همگام با طلوع و غروب خورشید است و گاهی با آن اختلاف دارد. در حالت همگامی حرکت ماه و خورشید که از آن به محاق یا تحت الشعاع تعبیر می شود و طبعاً در آخر ماه اتفاق می افتد، از آنجا که نیمه روشن ماه در این حالت کاملاً به طرف مشرق و روبه روی خورشید است، هیچ جزئی از آن دیده نخواهد شد. سپس مسیر، تغییر یافته و نیمه روشن ماه به سمت شرق منحرف شده و بخشی از آن ظاهر می شود و هلال جدید به وجود می آید. اما این انحراف مسیر که نمایان شدن ماه را در پی دارد، تدریجی انجام می گیرد؛ از این رو، در ابتدا مقدار چشم گیری از ماه که قابل رؤیت

باشد، یک باره آشکار نمی شود، بلکه اندک اندک آشکار می گردد؛ زیرا هر جزء از نور را فرض کنیم؛ بنابراین، اصل فلسفی که هیچ جزء تجزیه ناپذیری وجود ندارد، طبعاً قابل تقسیم به اجزای کوچک تر است.

اگر فرض کنیم نخستین جزء از ماه که در برابر خورشید قرار می گیرد، یک میلیونیم نیمه روشن ماه باشد، این جزء چون بسیار کوچک است، قابل رؤیت نیست و اگر چه وجود واقعی دارد و بر حسب قواعد فلکی و ضوابط علم نجوم، علم قطعی به تحقق آن داریم، اما شرعاً تأثیری در تکون هلال ندارد؛ زیرا بر اساس روایات گذشته، آنچه در تحقق ماه قمری اعتبار دارد، فقط رؤیت است یا شهادت حسی دو شاهد که آن را با چشم عادی دیده باشند، نه این که از روی قواعد نجومی به وجود آن پی برده یا از بلند بودن هلال در شب بعد کشف کنند که در شب قبل نیز وجود داشته است.

از اینجا معلوم می شود، رؤیت با چشم مسلح و به استناد دستگاه ها و دوربین های جدید، مانند تلسکوپ، بی آن که با چشم عادی قابل رؤیت باشد، اعتبار ندارد. البته تعیین محل هلال به کمک دستگاه و سپس دیدن آن با چشم عادی اشکال ندارد؛ بنابراین، هرگاه هلال، قابل رؤیت باشد، هر چند مقدمات رؤیت، به کمک این دستگاه ها فراهم شده باشد، کفایت می کند و هلال ثابت می شود.» (خویی، ۱۴۱۸، ۱۲۳/۱۱).

جستارهای
فقهی و اصولی
سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵
تابستان ۱۳۹۸
۵۶

اثبات اعتبار چشم مسلح در دیدگاه آیت الله هاشمی شاهرودی

آیت الله هاشمی شاهرودی با نقد دیدگاه استاد خویش آیت الله خویی بر اعتبار چشم مسلح و استفاده از ابزار نوین نزدیک کننده در رؤیت هلال استدلال می کند. ایشان بر این باور است این دیدگاه آیت الله خویی که «وجود واقعی آن جزء از هلال که چون بسیار کوچک است، قابل رؤیت نیست، برای ثبوت هلال کفایت نمی کند»، سخنی درست است. بدین معنا که صرف علم به حرکت ماه از نقطه تقارن با خورشید و خروج آن از محاق، زمانی که به شکل هلال محقق نشده باشد، به طور قطع برای تحقق ماه قمری کافی نیست؛ هر چند این حرکت ماه با محاسبه و

به کمک دستگاه‌های پیشرفته ثابت شده باشد؛ میزان حلول ماه قمری، تحقق هلال است و کره ماه، هرگاه در گردش خود به این حالت برسد، «هلال» نامیده می‌شود. ماه‌های قمری با رؤیت هلال‌هایشان برای مردم محقق می‌شود، نه به‌صرف حرکت کره ماه و گردش جدید آن، طبق موازین علمی. این که گفته‌اند: «شرط تحقق ماه، امکان رؤیت هلال با چشم عادی است و رؤیت آن با چشم مسلح کافی نیست» از دو لحاظ قابل مناقشه است:

۱. اطلاق رؤیت

روایات رؤیت دلالتی بر این ندارد که خصوص رؤیت با چشم عادی فقط اعتبار دارد. عنوان رؤیت، همان‌گونه که رؤیت با چشم عادی را در بر می‌گیرد، رؤیت با چشم مسلح را نیز شامل می‌شود و رؤیت با چشم مسلح نیز مصداق رؤیت هلال است؛ همانند رؤیت با عینک طبی برای کسی که ضعف بینایی دارد. بلی، احراز وجود هلال با محاسبه قواعد نجومی، بدون امکان رؤیت آن، حتی با چشم مسلح، برای اثبات حلول ماه قمری کافی نیست؛ زیرا در تحقق ماه قمری، شرط است که ماه به درجه‌ای از درخشندگی رسیده باشد که ولو به کمک دستگاه، رؤیت آن به شکل هلال ممکن باشد و احراز این مرتبه، با محاسبه ممکن نیست.

البته رؤیت با دستگاه‌های بزرگ‌نما، رؤیت غالب و متعارف میان مردم نیست، ولی موجبی برای ادعای انصراف روایات به رؤیت غالب یا متعارف وجود ندارد، خصوصاً پس از آن که پذیرفتیم رؤیت، فقط طریقی برای کشف پدیدار شدن ماه و وجود آن در افق، به شکل هلال است.

۲. روایت علی بن جعفر

از برخی روایات استفاده می‌شود که رؤیت با چشم عادی یا متعارف شرط نیست؛ از جمله این روایات، معتبره علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام است که به دو صورت نقل شده است:

در کتاب علی بن جعفر آمده است: «قال: سألتُه عمَّن یری هلال شهر رمضان وحده و لایصره غیره، أله أن یصوم؟ فقال: اذا لم یشک فیہ فلیصم وحده و الا یصوم مع الناس إذا صاموا» (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۲۶۰/۱۰).

علی بن جعفر می گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: آیا کسی که به تنهایی هلال ماه رمضان را می بیند و غیر از او کسی آن را نمی بیند، می تواند روزه بگیرد؟ فرمود: اگر در آن شک ندارد، باید تنها خود او روزه بگیرد و گرنه هرگاه مردم روزه گرفتند، او هم روزه بگیرد.

شیخ صدوق در کتاب الفقیه، این روایت را با اسناد خود از علی بن جعفر، این گونه نقل کرده است: «أنه سأل أخاه موسی بن جعفر علیه السلام عن الرجل یری الهلال فی شهر رمضان وحده و لایصره غیره، أله أن یصوم؟ قال: اذا لم یشک فلیفطر والا فلیصم مع الناس» (صدوق، ۱۴۱۳، ۱۲۴/۲).

علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام پرسید: مردی در ماه رمضان، هلال را به تنهایی می بیند و کسی غیر از او آن را نمی بیند، آیا می تواند روزه بگیرد؟ امام علیه السلام فرمود: اگر شک ندارد، باید افطار کند؛ و گرنه با مردم روزه بگیرد.

ظاهر روایت دوم، سؤال از هلال ماه شوال بوده است. شاید این دو نقل، دو روایت مستقل بوده باشند، اگر چه با توجه به وحدت فقرات هر دو، بعید به نظر می رسد که دو روایت مستقل باشند.

در هر حال، مضمون هر دو، یکی است و آن این که اگر کسی به تنهایی هلال را می بیند و غیر از او کسی آن را نمی بیند، هرگاه شک نداشته و به رؤیت خود یقین داشته باشد، ترتب آثار ماه جدید بر او واجب است. تعبیر «یری الهلال وحده و لایصره غیره» ظهور در دید انفرادی این شخص دارد؛ بدین معنا که تنها این شخص،

جستارهای
فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵
تابستان ۱۳۹۸

۵۸

۱. علی بن جعفر از ثقات و اجلا به شمار می رود (طوسی، بی تا، ۱۱۸)، این کتاب به صاحب وسائل نرسیده است و وی با واسطه از آن نقل می کند. نجاشی ذکر می کند که علی بن جعفر دارای کتابی تویب شده و نیز کتابی بدون تویب بوده است (نجاشی، ۱۴۰۸، ۷۲/۲). شیخ صدوق نیز به جمیع کتب وی طریق معتبر دارد (صدوق، بی تا، ۶). در طریق کتاب بدون تویب، عبدالله بن حسن است (نجاشی، ۱۴۰۸، ۷۲/۲) که نه مدحی و نه ذمی درباره او وجود دارد و می توان گفت راوی، مجهول است. لذا آیت الله خویی بر روایات وی اعتماد نمی کند (خویی، ۱۳۷۲، ۳۱۴/۱۲). اما باید گفت شیخ صدوق به تمام کتب علی بن جعفر طریق معتبر دارد؛ در نتیجه در اعتماد به روایات کتاب کافی است اگر چه عبدالله بن حسن توثیق نشده باشد (داوری، ۱۴۲۶، ۵۲۰/۱).

هلال را می‌بیند و کسی غیر از او آن را نمی‌بیند، نه این که کسی غیر از او هلال را ندیده است.

بنابراین، روایت یاد شده ولو با اطلاق خود، دلالت دارد که این شخص، حتی با این فرض که چنین دیدی برای دیگر مردم ممکن نباشد - مثلاً چشم او دید غیر متعارف داشته باشد - نیز همین حکم را دارد که در روایت آمده است؛ از این رو، مشروط کردن بینایی و رؤیت به دیدن با چشم متعارف و عادی وجهی ندارد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۴، ۶۴).

چالش‌های اعتبار چشم مسلح در رؤیت هلال در دیدگاه فقیهان معاصر

نسبت به دیدگاه آیت‌الله هاشمی شاهرودی اشکالاتی توسط فقیهان و اساتید وارد شده است که به نقل و بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

اشکال اول

تمسک به اطلاق نصوص رؤیت صحیح نیست؛ زیرا هلال نزد عرب، میقاتی است که در شئون مختلف زندگی، ماه قمری را با آن آغاز می‌کنند. دین اسلام چنین مطلبی را تأیید کرده است: «يسألونك عن الأهله...» (بقره ۱۸۹). آنچه صلاحیت دارد تا میقات مردم به صورت عمومی باشد، هلالی است که در افق محلی ظاهر می‌شود. به گونه‌ای که به وسیله چشم عادی و بدون ابزار نزدیک کننده قابل رؤیت باشد. اما اگر هلال تنها با ابزار نزدیک کننده دیده شود یا آن که اصلاً دیده نشود مگر توسط شخص نادری از مردم که چشم تیزبینی دارد، پس چنین هلالی دیگر نمی‌تواند میقات برای عموم مردم باشد.

در نتیجه با این قرینه می‌توان فهمید که رؤیت ذکر شده در نصوص، طریقی برای پدیدار شدن هلال در افقی است که با حجم و ارتفاع مناسب با چشم متعارف و بدون ابزار دیده شود و البته اگر مانعی مانند ابر و غبار و... نباشد (سیستانی، ۱۴۳۱، ۴۰). عده‌ای نیز بیان می‌دارد که اطلاعات تابع غایات هستند. غایت رؤیت هلال، توقیت عمومی است نه صرف رؤیت که حتی برای عموم مردم امکان نداشته باشد. رؤیت در روایات طریقی است به این که عموم مردم بتوانند با چشم عادی به رؤیت هلال بپردازند (دزی، ۱۳۹۲، ۶-۹).

پاسخ

اختصاص دادن رؤیت هلال، به رؤیت متعارف و رایج زمان صدور نص و دست کشیدن از اطلاق، بر اساس «انصراف» صورت می‌گیرد. مناسب به نظر می‌رسد به دلیل اهمیت مسئله انصراف و تأثیر آن در فهم معنای رؤیت، به شرح این مسئله اصولی در دیدگاه آیت الله شهید صدر پردازیم. انصراف عبارتست از انس ذهن به معنای معینی که لفظ بر آن انطباق دارد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷، ۴۳۲/۳).

انصراف بر سه قسم است:

اول- انصراف ناشی از غلبه وجود باشد. مانند آن که بعضی از افراد و حصص مطلق نسبت به افراد دیگر به لحاظ وجود خارجی، اغلب باشند. گاهی این اغلب بودن در وجود، سبب انس ذهن به آن حصه غالبی می‌شود. این گونه از انصراف، انصراف ابتدایی است که اثری ندارد و نمی‌تواند اطلاق را از بین ببرد.

زیرا فهم معنای خاص مسبب از لفظ و مستند بدان نیست تا مشمول دلیل حجیت ظهور شود. این معنا تنها به دلیل غلبه خارجی شکل گرفته و هیچ دلیلی بر حجیت آن نیست. دوم- انصراف ناشی از کثرت استعمال لفظ در حصه‌ای معین که به صورت مجاز یا تعدد دال و مدلول باشد. گاهی چنین کثرتی موجب شدت رابطه و انس بین لفظ و آن حصه می‌شود. این رابطه انس لفظی است نه خارجی؛ زیرا ناشی از استعمال لفظ در معنا و افاده معنا به آن لفظ است و اگر به مرتبه بالایی رسید منجر به وضع تعینی می‌شود؛ مانند منقول یا لفظ مشترک. اما اگر بدان مرتبه نرسید وضع محقق نمی‌شود؛ بلکه تنها انس و رابطه شدید وجود دارد. گاهی همین رابطه، صلاحیت دارد که در مقام بیان به آن اعتماد شود. در نتیجه انصراف به این معنا موجب اجمال و عدم تمامیت اطلاق می‌شود.

سوم- انصراف ناشی از مناسبات عرفیه یا عقلانیه باشد. مانند تشریعاتی که دارای ریشه عرفی و ارتکاز عقلایی است که گاهی موجب تقیید می‌شود. مانند «ماء مطهر» که به آب طاهر انصراف دارد؛ چرا که مرکوز عدم مطهریت آب نجس است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷، ۴۳۲/۳).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵

تابستان ۱۳۹۸

۶۰

اگر رؤیت در روایات را حمل بر رؤیت متعارف زمان صدور نصوص کنیم در حقیقت بدین مطلب ملتزم شده‌ایم که رؤیت به رؤیت غالبی و خارجی انصراف دارد که گذشت نمی‌تواند مانع اطلاق شود.

هیچ قرینه و دلیلی وجود ندارد که بتوان گفت رؤیت بر حصه‌ای خاص از رؤیت یعنی رؤیت متعارف انصراف دارد و این انصراف ناشی از کثرت استعمال در لفظ و انس ذهنی است. انصراف رؤیت به رؤیت متعارف با توجه به عدم اختراع ابزارهای نوین، قطعاً انصراف خارجی است.

اگر رؤیت به رؤیت عموم مردم انصراف داشته باشد چنین لازمه‌ای را باید پذیرفت، رؤیت شخصی تیزبین یا شخصی که تنها او می‌تواند بر قله کوهی رود و هلال را رؤیت کند خارج از اطلاق رؤیت باشد. در صورتی که در روایت صحیحیه آمده است که شخصی که حادالبصر است: یری الهلال و رؤیت بر چنین شخصی اطلاق شده است.

آنچه که مرکوز عرف زمان صدور نص بوده چنین است که رؤیت منسوب به شخص باشد ولو ویژگی‌های خاصی در بیننده باشد.

بررسی اعتبار چشم
مسلح در رؤیت هلال
۶۱

مهم در میقات برای مردم آن است که هلال در مرتبه‌ای شکل گیرد که امکان رؤیت هلال باشد. رؤیت شخص تیزبین یا رؤیت با ابزار نوین نزدیک کننده، این امکانیت رؤیت را مخدوش نمی‌سازد. صدق عنوان رؤیت نیز امری عرفی است و شارع نقش و دخالتی در مفهوم رؤیت و مصادیق آن ندارد.

اشکال دوم

ظاهر صحیحیه علی بن جعفر این است که مراد قول راوی از «و لایبصره غیره» مجرد عدم تحقق رؤیت از کسی است نه عدم امکان تحقق رؤیت از جهت تفرد بیننده تیزبین به گونه‌ای که نظیری مانند آن نیست. روشن است که چنین فرضی در هیچ عصری واقعیت ندارد؛ بنابراین، مورد روایت صحیحیه، خصوص دارنده چشم تیزبین که او تنها هلال را می‌بیند، نیست. اما اطلاق صحیحیه که این مورد یعنی بیننده تیزبین را شامل شود، مخدوش است؛ به دلیل آنچه در اشکال اول گذشت.

علاوه بر این می‌توان گفت: این سؤال و پاسخ در این روایت صحیحه اساساً درباره این موضوع است که آیا رؤیت هلال نسبت به فرد متفرد در رؤیت، حجت است یا خیر؟ بدین توضیح که موارد زیادی این مضمون در روایات - مانند روایات محمد بن مسلم، ابویوب خزّاز، عبدالله بن بکیر و ابوالعباس - آمده که تأکید می‌کند اگر شخصی نسبت به رؤیت هلال ادعا کرد اما دیگرانی که برای رؤیت تلاش کرده‌اند چنین ادعایی را تصدیق نکردند، این ادعا اعتباری ندارد.

در روایت صحیحه، راوی می‌خواهد بپرسد که آیا این حکم به دیگران اختصاص دارد یا فقط خود وی را شامل می‌شود؟ مخصوصاً با توجه به این که برخی از فقهای اهل سنت این حکم را شامل فرد بیننده نیز می‌دانند و این که نباید روزه گرفت مگر با دیگر مردم. با این اوصاف امام علیه السلام پاسخ می‌دهد که بیننده اگر نسبت به رؤیت هلال یقین دارد، طبق آن عمل کند و الا اگر یقین نداشت از مردم تبعیت کند؛ به بیان دیگر، برای خود شخص بیننده، رؤیت اعتبار دارد؛ اگر چه برای دیگران چنین اعتباری تحقق نمی‌یابد.

به این ترتیب، روایت صحیحه بیانگر آن است که رؤیت برای شخص متفرد به آن، حجت است نه برای دیگران؛ از این رو، روایت نسبت به این که هلال با چشم متعارف و عادی رؤیت نمی‌شود، هیچ اطلاقی ندارد.

علاوه بر آن، اگر مبنا در شروع ماه عبارت باشد از ظهور هلال در افق به گونه‌ای که قابل رؤیت باشد حتی با قوی‌ترین تلسکوپ‌ها و ابزارهای نزدیک کننده، باید گفت لازمه چنین مبنایی آن است که روزه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، عید فطر، حج و سایر اعمالی که دارای ایام خاصی در ماه است، در بیشتر مواقع، در روزهای حقیقی آن واقع نشده!؛ چرا که روشن است ایشان بر «رؤیت متعارف» بر تعیین آغاز ماه‌های قمری اعتماد داشته‌اند؛ در حالی که به ندرت هلال را به صورت واضح با چشم مجرد و در ارتفاع مناسب در شب می‌دیدند و این گونه نبوده است که در شب گذشته، هلال به وسیله ابزار قوی نزدیک کننده قابل رؤیت باشد! آیا می‌توان به چنین لازمه‌ای پایبند بود؟! (سیستانی، ۱۴۳۱، ۴۱-۴۲).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵

تابستان ۱۳۹۸

۶۲

پاسخ

همه مردم لازم نیست هلال را رؤیت کنند تا میقات عمومی محقق شود، بلکه ملاک میقات، امکان رؤیت و اطمینان به رؤیت است. این امکان می‌تواند با رؤیت شخص تیزبین محقق و فعلی شود. به چه دلیل رؤیت شخص تیزبین از امکان رؤیت خارج می‌شود؟!

مردم نیز می‌توانند با اعتماد بر شخص تیزبین به رؤیت وی اطمینان حاصل کنند. مانند آن که همه مردم نمی‌توانند بر سر قله کوه روند تا هلال را رؤیت کنند. در نتیجه شخص توان‌مندی را مأمور می‌سازند تا به قله کوه رفته تا هلال را به راحتی رؤیت کند.

میزان قدرت بر رؤیت و به‌کارگیری از ابزار برای رؤیت، دخالتی در مفهوم رؤیت و صدق عنوان آن ندارد و نمی‌توان ملاک میقات را صرفاً بر رؤیت فعلی اشخاص متوسط و بدون هیچ ابزار و قدرتی اختصاص داد.

ابتدا باید گفت برای بیان عدم تحقق رؤیت مناسب آن است که از فعل «لم یبصره» استفاده شود. اما فعل «لایبصره» چنین معنایی را نمی‌رساند.

بررسی اعتبار چشم
مسلح در رؤیت هلال
۶۳

این فرض کاملاً در عالم خارج محقق است که در منطقه یا شهری، شخصی با چشمی تیزبین و یا با داشتن توانایی تکوینی و یا به‌وسیله امکاناتی خاص مانند هواپیما بتواند هلال را رؤیت کند و غیر از او هیچ کس دیگری نتواند.

ملاک تفرّد شخص بیننده در رؤیت، یکی است و نسبت به تیزبینی چشم و یا داشتن امکانات و ابزار اعم است.

مفاد روایت اگر تنها این مطلب باشد که رؤیت متفرد در رؤیت به شرطی که رؤیت یقینی باشد حجت است منافات ندارد که گفته شود روایت نسبت به اسباب این رؤیت یقینی اطلاق دارد. به بیان دیگر روایت حجیت رؤیت متفرد را منحصر به رؤیت با چشم عادی نکرده است و این تفرّد یقینی می‌تواند به سبب تیزبینی چشم و یا ابزار نوین در رؤیت باشد.

نکته آخر آن که نباید فراموش کرد، ملاک در رؤیت هلال، کشف واقع نیست که اشتباه در درک واقع موجب اختلال مناسک عبادی در دوران قدیم باشد بلکه

ملاک، رؤیت یقینی یا اطمینانی است.

اشکال سوم

مدعا عدم صدق هلال بر موردی است که با چشم عادی قابل دیدن نباشد. نظیر عدم صدق خون بر موردی است که تنها با چشم مسلح قابل رؤیت بود و مانند عدم صدق زلزله بر حالتی است که عموم مردم آن را احساس نکنند؛ زیرا در مفهوم عرفی زلزله، لرزش زمین به نحوی که مردم با احساس عادیشان آن را درک کنند لحاظ شده است.

با بیانی که گذشت، قول ایشان نیز شاهی است بر آنچه گفتیم: «اگر یک نفر آن را ببیند پس پنجاه نفر دیگر نیز آن را می بینند»؛ مگر آن که گفته شود این بیانی است برای طریقت بینه و این که در بینه کاشفیت نوعی معتبر است.

پس اگر هلال را تنها یک نفر ببیند، قول او نوعاً کاشف نیست. اما ظاهر آن است که این روایت بر بیش از این مطلب دلالت دارد و این که هلال چیزی نیست که تنها یک نفر قادر بر دیدن آن باشد؛ پس به ناچار می بایست صحیحه را بر صورتی که در آسمان مه یا ابر و مانند آن‌ها وجود داشته باشد، حمل نمود.

ظاهر آن است که مراد شخص سؤال کننده در این روایت شخص غیر متعارف نیست و الا واجب بود که نسبت به آن تذکر بدهد. پس اگر سؤال در مورد چشم انسانی فوق متعارف بود که هلال را می بیند و دیگران به طور متعارف قادر به آن نیستند، واجب بود که بدان تصریح نماید.

سؤال با بیان قضیه حقیقه در کلام امام علیه السلام متفاوت است پس لا اقل شبهه انصراف به چشم متعارف وجود دارد؛ زیرا این فرمایش امام علیه السلام یعنی «لا یبصره غیره» به معنای عدم توانایی دیگران بر دیدن نیست، بلکه شاید مراد عدم دیدن به جهت مانعی همچون مه غلیظ یا عدم تجربه در رؤیت هلال و عدم توانایی ایشان بر دیدن باشد. اشخاص نیز گرچه به لحاظ قوه بینایی دارای شدت و ضعف هستند، همگان در عنوان متعارف داخل هستند. در فرضی که بینایی شخص فوق متعارف باشد، وجهی برای تعدی به نگاه با تلسکوپ وجود ندارد. الغای خصوصیت نیز محتاج

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵

تابستان ۱۳۹۸

۶۴

احراز است و صرف وجود شک (در ورود فرد تحت عنوان رؤیت) کفایت نمی کند (شهیدی، ۱۳۸۸، الدرس الرابع).

پاسخ

اولاً: تعیین و مشخص نمودن حکم در معتبره به کسی که تنها خودش هلال را می بیند ادعای بدون دلیل و مصادره به مطلوب است. مورد سؤال هم به معنای آن نیست که همیشه همان مورد، موضوع حکم است. بلکه مستظهر آن است که موضوع، همانا هلال مرئی عرفی است؛ پس همان طور که مجرد رؤیت (بدون وسیله) طریق یقی به سوی تحقق موضوع است، رؤیت مسلح و غیر متعارف نیز به منزله یک طریق برای حصول موضوع به شمار می رود. مستند آن نیز به روش عرف مبنی بر اطلاق رؤیت به دیدن با چشم مسلح و همچنین اطلاق معتبره (همچنان که ذکر شد) باز می گردد.

آنچه در این مقام اهمیت دارد - همان طور که از استظهار ادله نیز قابل فهم است - انتساب عرفی رؤیت هلال به انسان، بدون لحاظ کردن محاسبات فلکیه و... است. همچنین شایسته تأمل است که رؤیت با ادواتی که تنها مقرب موضوع هستند عرفاً به انسان منتسب می شوند.

بررسی اعتبار چشم
مسلح در رؤیت هلال

۶۵

بنابراین، شبهه‌ای در مصداق بودن رؤیت مسلح نیست؛ زیرا مرجع در این زمینه عرف است که شرح آن ذکر شد و صحیح است که گفته شود: شک در قید زائد است و آن تقیید مفاد دلیل به رؤیت بدون ابزار آلات است، یا آن که می توانیم بگوییم تقیید به نوعی از رؤیت است که در زمان صدور نص رایج و متعارف بوده و این به معنای شک در انصراف بوده که نمی تواند مانع تمسک به اطلاق معتبره گردد.

آنچه ذکر شد بر این اساس است که روایات مذکور در این باب در مقام بیان موضوعیت علم یا اطمینان عقلایی یا بینه در ثبوت هلال شرعی و عدم اعتبار رأی و ظن در این باره باشند.

ثانیاً: راوی در مورد شخصی که تنها خودش هلال را می بیند و سایرین قادر به رؤیت آن نیستند سؤال کرده است. اما با تحلیل سؤال وی در میابیم که سؤال او دو مصداق دارد:

اول: کسی که هلال را حتی با وجود مه یا ابر در آسمان می بیند. در حقیقت این بدان معناست که وی دارای قوت بینایی قدرتمندی بوده یا اصطلاحاً حادّ البصر است یا به این معناست که سایرین دارای تجربه لازم برای رؤیت هلال نیستند.

دوم: کسی که هلال را می بیند - تفاوتی نیست که مه در آسمان وجود داشته باشد یا خیر- اما رؤیتش به واسطه توانمندی ای است که از ابزار آلات مخصوص رؤیت کسب نموده یا آن که قوای جسمانی او به اندازه ایست که می تواند در قله کوه مستقر شود و به تنهایی هلال را ببیند.

با این توضیح روشن می گردد که سؤال راوی و حکم امام به مصداق اول و کیفیت قوای بینایی اختصاص داشته و بنابراین مصداق دوم از موضوع روایت به دلیل مخالفت واضح با ظاهر، خارج می شود. تقیید دلیل به فضای زمان صدور در باب چگونگی زندگانی انسان متقدم و دوره ای که صنایع رشد نیافته بودند هم به دلیل اثباتی و قرائن عقلایی و اطمینانی نیاز دارد. رفع اطلاق با انصراف وجودی هم بدون شک فاسد است. بدین ترتیب با وجود اطلاق معتبره نیازی به تصریح و توجه دادن به این که مقصود روایت، مصداق دوم است تا فرض غیر متعارف را نیز در بر گیرد وجود ندارد. میان دو مصداق رؤیت نیز هیچ گونه منافاتی وجود ندارد.

ثالثاً: رؤیت هلال توسط یک نفر، عرفاً اختصاصی به کیفیت بینایی وی و توان بیشتر او از دیگران ندارد. بلکه این که او تنها بیننده بوده است می تواند به سبب استفاده از ادوات نزدیک کننده (مقرّبه) یا جای گرفتن در مکان هایی باشد که از آنجا راحت تر و نزدیک تر می توان به رؤیت نشست؛ بنابراین، نیازی به الغای خصوصیت و تعدی به تلسکوپ وجود ندارد؛ زیرا با اعتراف عرف به این که استفاده از ابزار نزدیک کننده، ضرری به صدق عنوان رؤیت با آن ها نمی رساند و همچنین با وجود اطلاق معتبره، خصوصیتی در تلسکوپ و مصداق رؤیت وجود ندارد.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵

تابستان ۱۳۹۸

۶۶

اشکال چهارم

صحيحه علی بن جعفر مبتلای به تعارض با معتبره معمر بن خلاد از ابی الحسن ع است که گفته است: «در روز آخر ماه شعبان نزد امام نشسته بودم و ایشان هم

روزه دار نبود. آن گاه سفره‌ای نزد ایشان آوردند و به من فرمود: نزدیک بیا. آن هنگام زمانی بعد از عصر بود. به او عرض کردم: فدایت شوم امروز روزه دار هستم. فرمود: چرا؟ عرض کردم: روایتی از امام صادق علیه السلام به ما رسیده است که دربارهٔ یوم‌الشک فرمود: روزی است که خدا برای روزه گرفتن توفیق می‌دهد. فرمود: آیا نمی‌دانی که این مربوط به صورتی است که نداند این روز جزو ماه شعبان است یا ماه رمضان. پس در آن روز فرد روزه می‌گیرد، درحالی که اگر جزو ایام ماه رمضان باشد. پس خدا به او توفیق داده است، اما اگر مانعی برای رؤیت هلال نباشد و شبهه‌ای هم در میان نباشد که هیچ. پس عرض کردم: آیا اکنون افطار نمایم؟ فرمود: خیر.)) (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۲۴/۱۰).

ظاهر این روایت نفی این مطلب است که این روز، یوم‌الشک باشد؛ بنابراین تعلیل که، مردم سعی در استهلال داشته‌اند، اما هلال را مشاهده نکرده‌اند. پس اگر قابلیت هلال برای دیده شدن با چشم غیر مسلح کافی بود، وجهی برای نفی یوم‌الشک بودن این روز وجود ندارد. متعارف در عصر امام صادق علیه السلام نیز استهلال مردم بوده است؛ بدین دلیل که بنا بر فتوای ابوحنیفه شهادت کمتر از ۵۰ نفر مورد پذیرش نخواهد بود. پس هنگام تعارض - با قطع نظر از اشکالات سابق - می‌بایست به مقتضای قواعد اولیه رجوع نمود، اما به هنگام ساقط شدن صحیحۀ علی بن جعفر بر اساس اشکالات سابق، می‌توان به معتبرۀ خلاد تمسک کرد. بلکه صحیح آن است که اگر نوبت به تعارض میان صحیحۀ علی بن جعفر و معتبرۀ خلاد برسد نسبت میان آن دو تباین نیست؛ زیرا در صحیحۀ علی بن جعفر عدم وجود مانع در آسمان مفروض واقع نشده است، پس از این جهت دارای اطلاق است؛ بنابراین، معتبرۀ ابن خلاد اخص از صحیحۀ علی بن جعفر خواهد بود؛ زیرا در آن عدم وجود مانع در آسمان مفروض است؛ پس اگر این مانع در آسمان نباشد و مردم نیز با وجود اختلاف در قوهٔ بینایی و... استهلال نمایند اما هلال را مشاهده نکنند، امام علیه السلام یوم‌الشک بودن این روز را نفی فرموده است.)) (شهیدی، ۱۳۸۸، الدرس الرابع).

پاسخ

معتبرۀ معمر بن خلاد در مقام بیان عدم اعتبار رؤیت با ادوات نزدیک کننده نیست.

بلکه آنچه از آن‌ها مستفاد است آن است که مناط در تحقق هلال شرعی، رؤیت از روی علم و اطمینان بوده و در فرض شک و شبهه یا مانع، روزه در یوم الشک واجب است و بر این اساس، دیگر مجالی برای تعارض و تنافی میان دو دلیل باقی نخواهد ماند. به دیگر بیان، معنای فقره (فأما و لیس علة و لا شبهة فلا) اعطای ملاک در یوم الشک به این شکل که بگوید در صورت عدم مانع و شبهه، روزه واجب نخواهد بود. ظاهر نفی از این که روز مورد اشاره در روایت، یوم الشک باشد هم گویی به سبب عدم علم یا اطمینان یا حجت در تحقق هلال شرعی است. صرف احتمال همین مورد نیز در عدم احراز این که معصوم در مقام بیان عدم اعتبار رؤیت با ادوات مقربه بوده است کفایت می‌کند.

اشکال پنجم

بیان مثال عینک طبی برای شخصی که ضعف بینایی دارد و استفاده از این مثال برای جواز رؤیت با ابزار نوین نزدیک کننده قیاس مع الفارق است؛ زیرا به عینک، نظر طبیعی می‌گویند؛ اما رؤیت با تلسکوپ را رؤیت فنی می‌گویند. همچنین موضوع حکم شرعی، هلال قمری است که با چشم عادی دیده شود نه هلالی که با تلسکوپ رؤیت شود و نیز صحیحه علی بن جعفر تنها بیانگر حجیت قطع قطاع است (دزی، ۱۳۹۲، ۶-۹).

پاسخ

موضوع حکم شرعی، هلال مرئی عرفاً است و این که رؤیت باید با چشم عادی باشد، از این موضوع ثابت نمی‌شود. رؤیت با ابزار نوین نزدیک کننده نیز عرفاً رؤیت است.

رؤیت فنی و در عرض رؤیت طبیعی معنای محصل عرفی ندارد. مهم انتساب رؤیت به چشم انسان ولو با ابزار نوین است. کلمه رؤیت همان‌طور که در دیدن با چشم معمولی استعمال شده، در دیدن با ابزاری مانند عینک یا ذره‌بین و یا دوربین به نحو حقیقی استعمال می‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ۱۳).

کسی که قطع قطاع دارد کاری به عدم رؤیت دیگران ندارد. قطع برای قطاع

حاصل می‌شود چه بقیه هلال را ببینند و یا رؤیت نکنند. اما پرسش اساساً درباره کسی که است که تنها او هلال را رؤیت می‌کند و دیگران هلال را نمی‌بینند. در نتیجه ظهور روایت در تفرد رائی است و مورد قطع قطع خلاف ظاهر است.

اشکال ششم

موضوع حکم، «قابلیة الهلال للرؤية» یا «رؤیت پذیری هلال» است، بدین توضیح که گاهی دوری ماه از لحظه اقتران به قدری است که فقط با چشم مسلح قابل رؤیت است نه با چشم عادی و هنگامی که فاصله‌اش از این مقدار بیشتر و وارد حد دیگری از مدار خود شد، با چشم عادی هم قابل رؤیت می‌شود. بنابراین، رؤیت‌پذیری با چشم مسلح موضوعی است و رؤیت‌پذیری با چشم عادی موضوعی دیگر، که اقل و اکثرند. چون خود گره ماه، موضوع حکم نیست تا گفته شود در هر دو حالت یک چیز است، بلکه - مثلاً - دوری ماه از لحظه اقتران به اندازه ده درجه که فرضاً با چشم عادی قابل رؤیت است «اکثر» و منزلی از منازل ماه، و دوری آن به اندازه شش درجه که فرضاً فقط با چشم مسلح قابل رؤیت است، «اقل» و منزلی دیگر از منازل ماه است: «... وَالْقَمَرُ نُورًا وَقَدَرُهُ مَنَازِلٌ لِّتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِّينَ وَالْأَحْسَابِ» (یونس/ ۵) اکنون این سؤال پیش می‌آید که کدام‌یک از این دو موضوع و دو منزل ماه، ملاک شروع ماه و موضوع حکم‌اند اقل یا اکثر؟ «رؤیت‌پذیری با چشم عادی» (اکثر) یا «رؤیت‌پذیری با چشم مسلح» (اقل) یا هر دو؟ روشن است که نتیجه و اثر این دو موضوع هم متفاوت است، یعنی اگر اولی موضوع حکم باشد در بسیاری از آفاق و در بسیاری از ماه‌ها لازم می‌آید که ماه قمری قبلی ۳۰ روزه و مثلاً شنبه روز اول ماه بعد باشد و اگر دومی موضوع باشد، لازم می‌آید که ماه قمری قبلی ۲۹ روزه و مثلاً جمعه روز اول ماه بعد باشد.

اکنون باید به این سؤال پاسخ داد که در واقع و مقام ثبوت، کدام‌یک از این دو موضوع یعنی: «رؤیت‌پذیری با چشم عادی» (اکثر) و «رؤیت‌پذیری با چشم مسلح» (اقل) موضوع حکم‌اند؟ روشن است که باید فقط یکی موضوع باشد؛ زیرا تخیر بین اقل و اکثر مستحیل است.

از سوی دیگر معتبر نبودن رؤیت با چشم عادی که بدیهی البطلان و مخالف هم به آن معترف است، پس باید رؤیت با چشم مسلح معتبر نباشد؛ زیرا محال است در مقام ثبوت، موضوع یک حکم، اقل و اکثر و اثر مترتب بر یکی با دیگری متضاد باشد.

بدین معنی که اگر ثبوتاً «الف» موضوع حکم باشد لازمه و اثرش آن است که شنبه اول ماه است و اگر «ب» موضوع باشد لازمه اش آن است که -در همان فرض- جمعه اول ماه است. در چنین موردی محال است که شارع به صورت مانعة الخلو، موضوع بودن هر دو را معتبر دانسته باشد.

این تالی فاسد منحصر به موضوع مورد بحث به نظر ما یعنی «رؤیت پذیری هلال» نیست، بلکه هر چه را که موضوع حکم بدانیم، ثبوتاً محال است که -به گونه مانعة الخلو- هم رؤیت با چشم عادی معتبر و طریق آن باشد، هم رؤیت با چشم مسلح؛ زیرا اثر مترتب بر یکی متضاد و منافی اثر دیگری است؛ یعنی اگر رؤیت با چشم عادی معتبر است، لازمه اش آن است که شنبه اول ماه است نه جمعه و اگر رؤیت با چشم مسلح معتبر است لازمه اش آن است که جمعه روز اول ماه است نه شنبه. چگونه معقول است که در مقام ثبوت شارع هر دو را معتبر دانسته باشد و در يك افق هم جمعه - واقعاً - اول ماه باشد و هم شنبه! و چون عدم اعتبار رؤیت با چشم عادی و بدون ابزار بدیهی البطلان است، به ناچار باید رؤیت با چشم مسلح معتبر نباشد (مختاری، ۱۴۲۶، ۴۹/۵).

به بیان دیگر، لازمه این که هم رؤیت با چشم مسلح معتبر باشد و هم رؤیت با چشم غیر مسلح اعتبار داشته باشد، منجر به قبول تخییر بین اقل و اکثر خواهد بود. به این بیان، اگر کسی مثلاً با چشم عادی دیوار شهر را ندید و یا صدای اذان را نشنید (مثلاً فاصله یک کیلومتر) باید نماز را قصر به جا آورد و اگر همان فرد، با فاصله مثلاً ده کیلومتری به وسیله دوربین، دیوار شهر را مشاهده کرد، باید نماز را تمام به جا آورد و درباره رؤیت هلال همین گونه است (امام، ۱۳۸۶، ۱۴۲).

پاسخ

اول- اگر به اقل یقین داریم و شک در اکثر داریم حکم فقط یک چیز است و

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵

تابستان ۱۳۹۸

۷۰

فرض دیگری وجود ندارد. در اقل و اکثر باید به اقل یقین داشت و اگر شک در اقل وجود داشته باشد خارج از فرض اقل و اکثر است. ما یقین داریم در ۷ درجه با چشم مسلح هلال دیده می‌شود، شک داریم آیا باید صبر کنیم تا هلال ۹ درجه شود و با چشم عادی دید؟ شک در وجوب زائد است و می‌گوییم لازم نیست.

دوم- در مسئله شک در صدق رؤیت با چشم مسلح است بنابراین اساساً اقل و اکثر پیش نمی‌آید.

سوم- موضوع در اقل و اکثر استقلالی یکی است و اقل و اکثر ناظر به تکلیف است نه موضوع. یعنی موضوع در مدیون بودن به زید یکی است و متعلق هم یکی است یعنی مدیون بودن به زید. اما تکلیف مردد است بین وجوب ادای پنج درهم یا ده درهم؟ در رؤیت هلال موضوع یکی است یعنی هلال. اما نمی‌دانیم تکلیف ما با چشم مسلح است یا آن که صبر کنیم تا با چشم عادی هم دیده شود؟ با شک در محصل غرض، رؤیت با ابزار نزدیک کننده محقق می‌شود.

چهارم- چشم مسلح فقط اختصاص به ۷ درجه ندارد در ۹ درجه هم به علت مانع و غبار چشم عادی نمی‌تواند ببیند اما با دوربین امکان‌پذیر است.

سخن بر اعتبار یا عدم اعتبار رؤیت با چشم عادی نیست بلکه بحث بر سر وجوب زائد آن بر رؤیت مسلح است. می‌دانیم رؤیت واجب است اما نمی‌دانیم رویت مسلح در ۷ درجه یا رویت عادی در ۹ درجه یعنی نمی‌دانیم علاوه بر رویت مسلح در ۷ درجه که هلال رویت می‌شود، رویت عادی هم واجب است یا خیر؟ پس پیش فرض مسئله آن است که رویت با چشم مسلح، رویت عرفی است و می‌تواند حصه‌ای از واجب باشد وگرنه اگر از اساس شک داشته باشیم که رویت مسلح، رؤیت است یا خیر اقل بودن برای یک واجب بی‌معنا خواهد بود.

حال می‌گوییم علم تفصیلی داریم که در ۷ درجه هلال رؤیت می‌شود، شک داریم بر وجوب زائد که در ۹ درجه هم باید هلال با چشم عادی دیده شود؟ از این وجوب دست می‌کشیم، زیرا محل اجرای برائت است.^۱

۱. آیت‌الله شهید صدر می‌گوید: «إذا كان الوجوب معلوماً و لكن تردد الواجب بين الأقل والأكثر، فهناك حالتان: الحالة الأولى - دوران الأمر بين الأقل والأكثر الاستقلاليين، و الذي يعني أن ما يتميز به الأكثر على الأقل من الزيادة على

اساساً می‌توان گفت مورد از موارد تطبیقات اقل و اکثر نیست. چون یقین داریم رؤیت با چشم عادی معتبر است. اما آیا ادله مقید شده است به چشم متعارف عادی بدون مسلح یا رؤیت مسلح نیز داخل در رویت است و چنین تقيیدی وجود ندارد؟ با شک در تقيید، اصالة الاطلاق جاری می‌شود.

نکته پایانی آن که رؤیت می‌تواند جامع بین رؤیت با چشم عادی و رؤیت با ابزار نزدیک کننده باشد. این جامع به لحاظ توجه به طبیعت شکل می‌گیرد. مانند وجوب غسل وجه و یدین در وضو. عنوان غسل عرفاً بر غسل قصیر و غسل طویل، مانند وضوی ارتماسی صادق است (ر.ک: شهیدی، بی تا، ۷۵۳).

اشکال هفتم

آیت‌الله سبحانی در نامه‌ای برای راقم سطور چنین بیان می‌دارد، این احتمال وجود دارد که تمکن شخص بیننده به خاطر چشم غیر متعارف وی نیست، بلکه وی برای هر ماه ممارست و مهارت برای استهلال ماه دارد و دیگران چنین تلاشی ندارند.

روایت در صدد بیان امر دیگری است که به موضوع بحث ارتباطی پیدا نمی‌کند. از آنجا که نسبت به قضیه هلال تأکید شده و از ظن به آن نهی شده است؛ برای سائل این مسئله پیش آمده که اگر تنها شخصی هلال را ببیند و دیگران رؤیت نکنند آیا چنین رؤیتی برای آن شخص کافی است؟ امام علیه السلام جواب دادند اگر شکی ندارد روزه بگیرد و الا روزه‌اش با مردم باشد.

به بیانی دیگر این روایت در صدد تبیین وظیفه فردی بیننده است نه استفاده از ابزار؛ همان‌طور که فرموده‌اند: تعبیر «یری الهلال وحده و لا یبصره غیره» در دیدن انفرادی این شخص ظهور دارد؛ بدین معنا که تنها این شخص، هلال را می‌بیند و کسی غیر از او آن را نمی‌بیند. در این صورت، گرچه غیر از او کسی دیگر هلال

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵

تابستان ۱۳۹۸

۷۲

تقدیر وجوبه بكون واجباً مستقلاً عن وجوب الأقل كما إذا علم المكلف بأنه مدین لغیره بدرهم أو درهمین. و لا إشکال فی تنجز وجوب الأقل فیہ للعلم التفصیلی به، و أن وجوب الزائد مشکوک بشک بدوی فتجری عنه البراءة عقلاً و شرعاً و شرعاً فقط علی الخلاف بیننا و بین المشهور. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷، ۵/۳۲۵).

را ندیده است، ولی عدم رؤیت هلال برای دیگران باعث سقوط تکلیف برای بیننده هلال نمی شود. در نتیجه این روایت در صدد بیان تکلیف فردی و شخصی بیننده است (امام، ۱۳۸۶، ۱۳۶).

علاوه بر آن که شخص بیننده در روایت کسی است که توانایی رؤیت با چشم مجرد از امکانات را دارد. در نتیجه چگونه الغای خصوصیت و تسری حکم به چشم همراه با ابزارهای نوین نزدیک کننده ممکن خواهد بود؟!

پاسخ

ابتدا باید گفت بنابر دیدگاه صحیح در علم اصول، عدم وجود قدر متیقن در مقام تخاطب از مقدمات حکمت در اجرای اطلاق محسوب نمی شود؛ چه رسد به آن که قدر متیقن در خارج باشد (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷، ۴۲۵/۳).

شکی در مصادیق رؤیت نیست تا آن که قدر متیقن از آن اخذ شود؛ چرا که انصراف وجودی در خارج نسبت به رؤیت عادی و مجرد، سبب نمی شود این مصداق از رؤیت، یقینی شود و دیگر مصادیق مانند رؤیت با ابزار نزدیک کننده مشکوک بماند. گذشت که انصراف وجودی نمی تواند مانع از تمسک اطلاق شود و در مدلول لفظی و انس ذهنی تأثیر گذارد.

مهارت بیننده در این که تنها او هلال را ببیند دارای اسبابی است. این مهارت می تواند بر اثر قدرت تکوینی چشم باشد و یا آن که این قدرت اکتسابی حاصل شود. در این قدرت اکتسابی، امکانات و ابزار نیز می تواند دخیل باشد.

از روایت تنها احتمال ممارست بیننده فهمیده نمی شود و ممارست عرفاً با تمکن اکتسابی و همراهی با ابزار قابل جمع است.

همچنین دلالت روایت بر این که ملاک روزه و افطار، رؤیت یقینی است و شک و ظن اعتباری ندارد با اطلاق رؤیت و عدم تقیید به رؤیت متعارف و مجرد عرفاً قابل جمع است و آن گونه نیست که پذیرش دلالت اولی با قبول دلالت دوم و اطلاق منافات داشته باشد.

اما دلیل الغای خصوصیت و سرایت حکم به رؤیت با ابزار نزدیک کننده آن است که عرف، رؤیت با ابزار نزدیک کننده را مصداق رؤیت می داند. وقتی رؤیت طریق

محض به طلوع هلال و وجود آن در افق است و عرف تفاوتی میان رؤیت با مصادیق مختلف چه در زمان صدور نص و چه حال نمی‌بیند، خصوصیت رؤیت متعارف و مجرد در روایت الغا می‌شود.

نتیجه‌گیری

رؤیت هلال در روایات انصراف به رؤیت زمان صدور روایات یعنی رؤیت با چشم عادی و متعارف ندارد، بلکه رؤیت با ابزار نوین نزدیک‌کننده نیز عرفاً رؤیت محسوب می‌شود. موضوع حکم نیز، هلال رؤیت‌شده به صورت عرفی است.

منابع و مأخذ

• قرآن کریم

۱. امام، سیدمحمدرضا. «بررسی روایات رؤیت هلال و دلالت آن‌ها بر رؤیت با ابزار نوین»، فصلنامه علوم حدیث، (۱۳۸۶). ۴۵-۴۶، ۱۲۵ تا ۱۴۳.
۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
۳. خوبی، سیدابوالقاسم، ۱۴۱۸، موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی علیه السلام.
۴. —، (۱۳۷۲). معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر الثقافة الإسلامية.
۵. داوری، مسلم، (۱۴۲۶ق). اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، قم: المحبین.
۶. دزی، مصطفی، «عدم کفایة رؤیة الهلال بالعين المسلحة»، فصلنامه نا اجتهاد، شماره ۵-۶، (۱۳۹۲). تقریر استاد موسوی خلخالی.
۷. سیستانی، سیدعلی (حسینی)، (۱۴۳۱ق). أسئلة حول رؤیة الهلال مع أجوبتها، نجف: مکتب سماحة السيد السيستاني (دام‌عزه).
۸. شهیدی، محمدتقی، (۱۳۸۸). المسائل المستحدثة، رؤیة الهلال بالعين المسلحة. الدرس الرابع، بی‌جا، بی‌نا.
۹. —، بی‌تا، الحجج، مباحث القطع. بی‌جا. بی‌نا.
۱۰. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق). کتاب من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵
تابستان ۱۳۹۸

۷۴

۱۱. —، بی تا، **مشيخة الفقيه**. تحقيق محمد جعفر شمس الدين. بيروت: دارالتعارف.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، **الفهرست**، نجف: المكتبة الرضوية.
۱۳. فاضل لنکرانی، محمدجواد، (۱۳۸۵). **اعتبار ايزار جديد در رؤیت هلال**. قم: فصلنامه علوم اسلامی. شماره ۲.
۱۴. مختاری، رضا، (۱۴۲۶ق). **رؤیت هلال**. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۵. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، (۱۴۰۸ق). **رجال النجاشی**. بيروت: دارالاضواء.
۱۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۴۱۷ق). **بحوث في علم الأصول**، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

